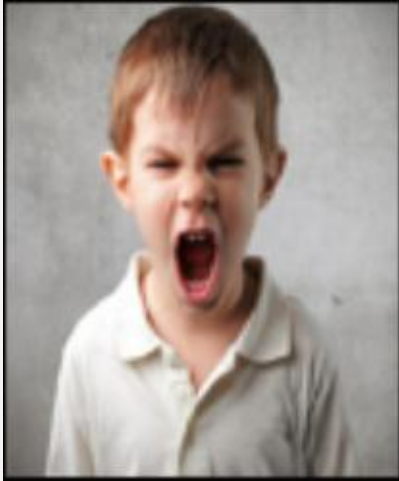


## پرخاشگری نتیجه کمرنگ‌بودن «پرورش» است

لازم نیست برای نشان‌دادن وجود خشونت در مدارس، به آمار و ارقام استناد کرد، چندی پیش خبرهایی از تنبیه در مدارس، درگیری دانش‌آموزان و مشکلات روحی و روانی آنها، منتشر شد.



سلامت نیوز: لازم نیست برای نشان‌دادن وجود خشونت در مدارس، به آمار و ارقام استناد کرد، چندی پیش خبرهایی از تنبیه در مدارس، درگیری دانش‌آموزان و مشکلات روحی و روانی آنها، منتشر شد. با اینکه آموزش و پرورش میزان خشونت در مدارس را نسنجیده و اساساً تنبیه دانش‌آموز را نمی‌پذیرد، اما واقعیت حکایت از وقوع خشونت در برخی مدارس دارد. هنوز کسی ماجرای خودکشی دانش‌آموز همدانی در روزهای اول سال تحصیلی را از یاد نبرده، سالار 17 ساله، در پی تهدید به اخراج شدن، خود را به دار آویخت، پیش از او نیز در یازدهم مهر ماه، دانش‌آموز 8 ساله، به دلیل چند دقیقه تاخیر، از سوی مدیر دبستان، مورد ضرب و شتم قرار گرفت. البته این اتفاقات تنها مربوط به امسال است. در سال‌های گذشته نیز رخدادهای تلخی از تنبیه دانش‌آموزان در مدارس به وقوع پیوسته. درگیری منجر به مرگ دو دانش‌آموز در یکی از هنرستان‌های ملایر، آخرین خبر منتشر شده از این دست اتفاقات است.

نهم آبان ماه دو نوجوان 16 و 17 ساله در حیاط مدرسه با یکدیگر درگیر شدند که در نهایت دانش‌آموز 16 ساله هم‌کلاسی خود را با ضربات چاقو به قتل رساند. خشونت در مدارس موضوعی بود که با دکتر شیوا دولت‌آبادی، روانشناس، استاد دانشگاه و عضو هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان، در میان گذاشتیم. او در گفت و گو با آرمان از بی‌توجهی آموزش و پرورش به بحث‌های تربیتی و پرورشی، ابراز تاسف می‌کند.

با توجه به فعالیت‌هایی که شما در انجمن حمایت از حقوق کودکان انجام می‌دهید به طور قطع در جریان حوادثی که در سطح مدارس رخ می‌دهد، هستید. در ماه‌های گذشته خبرهایی در ارتباط با تنبیه دانش‌آموزان از سوی معلمان، خودکشی دانش‌آموز در پی تهدید به اخراج شدن و اخیراً نیز کشته شدن دانش‌آموزی در پی درگیری در هنرستان منتشر شده است. هر چند آمار از میزان خشونت در مدارس وجود ندارد، اما اطلاع‌رسانی‌هایی که در این زمینه می‌شود، حکایت از وجود خشونت در این اماکن تربیتی و پرورشی دارد. با توجه به نقش آموزش و پرورش در تربیت افراد، نظر شما در ارتباط با این حوادث در سطح مدارس چیست؟

هر گاه انسان‌ها دست به تخریب یا آسیب رساندن به خود یا دیگران بزنند، آن زمان می‌توان از خشونت و پرخاشگری سخن به میان آورد، اما سوال این است که این خشم از کجا آمده یا حس دلزدگی از زندگی که در نهایت منجر به خودکشی می‌شود، از کجا نشأت گرفته است؟ هر حادثه، محصول تاریخچه دراز مدتی است، بنابراین هر چقدر هم فرد کم سن و سال باشد تاریخچه خاص خود را دارد. هر نهادی نیز در ایجاد این تاریخچه نقش دارد، برای نمونه حس اعتماد به نفس را خانواده به فرزندش می‌دهد، او می‌تواند با این احساس جایگاه خوبی در جامعه داشته باشد، از سوی دیگر مدرسه مکانی است که بر اساس تعاریف خوب روانشناختی انسان‌ها می‌تواند در آن محل به شایستگی‌های خود نائل شوند، جایی است که تمام مسائل از جمله توانمندی و مسئولیت‌پذیری و در مقابل آن احساس منفی مقایسه شدن و تبعیض، مطرح می‌شود. اگر فضا مناسب باشد هر کس در جایگاه خود با اعتماد به نفس، شایستگی که برای حضور در جامعه نیاز دارد، از مدرسه دریافت می‌کند. برای این منظور مدرسه وظیفه خطیری دارد تا فرزندی که در مدارس رشد می‌یابند را با ویژگی‌های خاص خودشان آشنا کند. به هر حال برخی دانش‌آموزان حساس‌تر و با اعتماد به نفس کمتری هستند که مدرسه وظیفه پرورش آن را به عهده دارد.

در این میان مدیر و معلم و به طور کلی اولیای مدرسه چقدر در پرورش آن شایستگی‌ها نقش دارند؟

ببینید، افراد وقتی وارد مدرسه می‌شوند، با این موضوع مواجه می‌شوند که دنیا به چارچوب تعریف شده خانواده خلاصه نمی‌شود از این رو ممکن است ناگهان احساس عدم کفایت کنند، در این میان آموزش و پرورش وظیفه بزرگی دارد تا به آن ویژگی‌ها پرداخته و جایگاه کودک را برجسته‌تر کنند، در اینجا معلم وظیفه خطیری به عهده دارد. اینکه نباید نگاه مقایسه‌ای میان دانش‌آموزان وجود داشته باشد، نباید آنها را تنبیه کرد و در مقابل برنامه‌ای برای رشد و ارتقای هر کودکی تدوین شود، همه موضوعاتی است که باید در مدارس در اولویت باشد. زمانی که از پرورش سخن می‌گوییم، منظور پرداختن به همین نکات است.

به اعتقاد شما وقوع چنین خشونت‌هایی در مدرسه حاصل کم توجهی به کدام بخش از مسائل تربیتی است؟

ببینید، مدرسه در شکل‌گیری شخصیت و بالا رفتن آستانه تحمل افراد نقش اساسی دارد، زمانی که این خشونت‌ها از سوی دانش‌آموزان رخ می‌دهد، نشان می‌دهد که دانش‌آموز در به کارگیری مهارت‌ها تجربه موفق در مدرسه نداشته است.

با توجه به اتفاقاتی که در این فضاهای آموزشی رخ می‌دهد، به نظر می‌رسد آموزش و پرورش ما توجه شایسته‌ای به بحث پرورش نداشته است. این موضوع زمانی که شاهد اعمال خشونت از سوی معلم یا در میان دانش‌آموزان هستیم، بیشتر احساس می‌شود. شواهد نشان می‌دهد که مسئولان این وزارتخانه بیشتر آموزش را در محور قرار داده و برنامه خاصی برای پرورش آنها ندارد.

بله، ما بحث‌هایی در پرورش داریم که به اخلاق مذهبی بر می‌گردد، در عین اینکه اخلاق از طریق مذهب می‌تواند سازنده باشد اما زمانی که می‌بینیم در مدارس خشونت و پرخاشگری ایجاد می‌شود و دانش‌آموز به مرحله‌ای می‌رسد که به دلیل احساس ناموفق بودن دست به خودکشی می‌زند، نشان‌دهنده این است که ما در برخی عرصه‌های شکل‌گیری شخصیت او نتوانستیم خوب عمل کنیم و او را پرورش نداده‌ایم. مسئله نوع دوستی تنها به شعار بر نمی‌گردد، بخش عمده آن تجربه است. وقتی دانش‌آموزان می‌بینند که کار گروهی موفق‌تر است، این موضوع می‌تواند روی شخصیت او به عنوان یک تجربه تربیتی اثر گذار باشد. در این میان معلم بیش از همه، به عنوان الگویی که رفتار و منش خودش، یک مسیر تربیتی است از سوی دانش‌آموزان شناخته می‌شود.

به اعتقاد شما آموزش و پرورش ما به این مسائل توجه می‌کند؟ یا حداقل در اولویت‌هایش قرار دارد؟

خیلی به این موضوع‌ها توجه نمی‌شود، ما اکنون با آزردهی میان کودکان مواجه هستیم، قلدری در میان آنها افزایش یافته است، زمانی هم که به این افراد در محیط آموزشی یا سایر اماکن برچسب ناکارآمد بودن زده می‌شود، شاهد خودکشی از سوی آنها هستیم.

در حادثه اخیر که در یکی از هنرستان‌های ملایر رخ داد، دانش‌آموز 16 ساله با چاقو همکلاسی خود را به قتل رسانده بود. اینکه یک دانش‌آموز بدون توجه به تمام ممنوعیت‌ها، با خود سلاح سرد همراه داشته و در درگیری از آن استفاده کرده، نشان‌دهنده چیست؟

ببینید، زمانی که یک نوجوان با خود سلاح سرد حمل کند، اتفاقات بسیار بدی برای شخصیتش رخ داده است. انسانی که احساس ناامنی می‌کند و برای دفاع از خود نه تنها از فیزیک بدنی، بلکه از چاقو استفاده کند و حس کند که برای دفاع از خود باید این وسیله را همراه داشته باشد، هیچ کاری برای پرورش خلاقیت‌ها و شایستگی‌هایش صورت نگرفته است. مسئولان مدارس وظیفه دارند همان‌طور که افراد را نسبت به خطرات مواد مخدر و آسیب‌های آن آگاه می‌کنند، باید به صورت تربیت دراز مدت، آنها را نسبت به سلاح سرد و خطرات حمل آن نیز آگاه کنند، همراه داشتن سلاح سرد، نیاز به یک آسیب‌شناسی دارد چرا که استفاده از آن از سوی نوجوان یک فاجعه به شمار می‌رود. اینکه دانش‌آموزان در آن سن، نتوانستند از طریق مذاکره و گفت و گو مشکل خود را حل کنند و تبدیل به انسان‌های خشنی شدند که با ابزار از خود دفاع کردند، حکایت از پرورش نیافتن آنها به ویژه در محیط مدرسه دارد.

به اعتقاد شما مدرسه وظیفه نهایی کنترل خشونت در میان افراد را دارد؟ یا توجه به عملکرد این نهاد، نباید روی نهادهای دیگر تمرکز کرد؟

به طور کلی تمام این اتفاقات در مرحله اول از دامان خانواده نشأت می‌گیرد، خانواده است که باید برای عدم خشونت و تمایل به صلح‌طلبی فرزند خود برنامه‌ریزی کند، توانایی گفت و گو و کنترل رفتار در شرایط خطرناک، مسائلی است که در مسیر تجربه به افراد آموزش داده می‌شود و به تدریج در شخصیت او جا پیدا می‌کند. اما متأسفانه ما با تنوع تربیت در میان خانواده‌های ایرانی مواجه هستیم. در این میان مسلماً نقش مدرسه می‌تواند بسیار برجسته باشد، چرا که با تربیت یکسان، می‌توان رفتارهای هیجانی افراد را کنترل کرد. مدرسه جایی است که افراد در آن احساسات خوش و ناخوش را تجربه می‌کنند، این احساس‌ها باید نظارت و برنامه‌ریزی شوند، برای کنترل این احساس‌ها نیز برای فقیرترین و آسیب‌دیده‌ترین مناطق جهان، بسته‌های آموزشی در اختیار مدارس قرار گرفته است. البته در ایران نیز بخش‌هایی از آن اجرا شد. بسته‌های آموزشی شامل مهارت‌های اجتماعی، زندگی و خودشناسی است، هر زمان که این آموزش‌ها به صورت جدی و عملی اجرا شد، می‌تواند جلوی آسیب رساندن و آسیب‌رسانی را در دوران نوجوانی بگیرد. به هر حال دوران نوجوانی دوران گذار خطیر، به معنای مهم است، به این دلیل که فرد با تغییرات سلول‌های عصبی مغزی، هورمونی، جایگاه اجتماعی و ... مواجه می‌شود. در این دوره نوجوان نباید دچار نوسانات شدید هیجانی از جمله خشم و خشونت شود.

ارزیابی شما در انجمن حمایت از حقوق کودکان و همچنین به عنوان استاد دانشگاه، از میزان وقوع خشونت در مدارس چگونه است؟

ما آماری از میزان وقوع خشونت در مدارس نداریم، از این رو نمی‌توان گفت که افزایش داشته است اما با امکانات عملی که در اختیار داریم می‌توانیم تلاش کنیم که تا از وقوع آن بکاهیم.

چه مسائلی در وقوع خشونت در سطح جامعه و به طور ویژه مدارس نقش دارد؟

شاید بتوان گفت که مسائل اقتصادی و اجتماعی عرصه را بر خانواده‌ها و در نهایت فرزندان آنها تنگ کرده است، همین موضوع به تدریج میزان خشونت را افزایش می‌دهد، البته در ارتباط با این مسائل راه‌حلهایی وجود دارد، مدرسه وظیفه دارد تا راه‌های کنترل هیجانات را کاهش دهد.